

اندر حکایت پسر کوچک خرده‌فروش نجف‌آبادی

معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش: ممنوعیت تدریس زبان انگلیسی در دبستان بحث جدیدی نیست

اختیار

دیدگاه

حلقه‌های مفقودمد پرت آب



رضا حاجی کریم

۱- اگر از منظر هزینه-فایده نگاه کنیم؛ هزینه‌های که ما برای اجرای طرح‌های انتقال آب می‌دهیم بسیار گزاف است. پروژه‌های انتقال آب اساسا نوعی مداخله زیست‌محیطی به‌شمار می‌روند و مداخلات زیست‌محیطی به دلیل تعارض‌ها و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... امروزه در دنیا یک مدل شکست خورده محسوب می‌شوند. پیشینه این شکست مداخلات به عملکرد گذشته کشور‌های توسعه‌یافته برمی‌گردد. برای نمونه امریکایی‌ها در دوره‌های مسیر رودخانه می‌سی‌سی‌پی را منحرف کردند اما بعد از مدتی و با بهای گزاف متوجه اشتباه‌شان شدند. اکنون این رویکرد مداخلات زیست‌محیطی در جهان متوقف شده یا سعی در به حداقل رساندن آن می‌شود. در کشورمان نیز به جای آنکه به‌طور مطلق این طرح‌ها را رد یا تایید کنیم؛ باید ببینیم این طرح‌ها چه مختصاتی دارند. مطالعات و پیوست‌های اقلیمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... هم در مبداء و هم در مقصد باید به‌طور دقیقی سنجیده شوند. اما نکته‌ای که در این میان مغفول می‌ماند؛ به نوع برخورد ما با مسائل باز می‌گردد. همانطور که نمی‌توان مشکلات ترافیکی را با ساخت بزرگراه در شهر حل و فصل کرد برای حل مشکل کمبود آب هم نمی‌توان به طرح‌های انتقال آب دل بست. رویکرد عام به این طرح‌ها که متناصفانه در دوره‌های بسیار رواج پیدا کرد و به عنوان اکسیر شفابخش رفح معضل کمبود آب به آن پرداخته می‌شد، پیامش به مردم این است که شما آب مصرف کنید و من در مقام دولت هم بالاخره برای شما آب را از هر منبعی که بشود تامین می‌کنم. در این رابطه طرح انتقال آب از دریای خزر به استان سمنان را می‌توانم مثال بیاورم. سمنان یکی از استان‌هایی است که در حوزه بهره‌وری از منابع آب اصلا رتبه خوبی ندارد. هدر رفت آب، مساله جاه‌های غیرمجاز و... اینها همه وضعیت بغرنجی دارد. لیکن به جای اینکه بر این حوزه متمرکز شویم باید برویم سراغ راهکارهای نرم‌افزاری که مورد تایید مسوولان نظام بوده و در تعلق کامل بارویکرد اقتصاد مقاومتی است. نه اینکه آب را از خزر با هزینه بسیار گزافی به سمنان بیاوریم. بامشابه آن انتقال آب به یزد و کرمان برای کشاورزی و صنعت که اصلا توجیه اقتصادی، سیاسی واجتماعی ندارد.

۲- مساله دیگر به الگوی توسعه در کشور مربوط است. متناصفانه به دلیل فقدان سیاست‌های مطالعه شده آمایش سرزمین، در کشور مالگویی توسعه‌از کشور‌های برخوردار از منابع آبی گر‌بهر‌داری شده است. مثلا در دولت‌های نهم و دهم در سفر استانی یک طرح اوره و اونیاک هم مصوب شد بدون دقت به این مساله که آیا این منابع برای آن مناطق مناسب هستند یا خیر. اگر می‌خواهیم بر اساس توسعه پایدار عمل کنیم در اولین گام باید یک‌بار برای همیشه طرح آمایش سرزمین را به نتیجه برسانیم. یک نسل از کارشناسان در این کشور روی این طرح کار کردند و بازنشسته شدند اما هنوز به نتیجه نرسیده است. پاسخ این سوال که هر صنعت برای کجا مناسب است باید از دل آمایش سرزمین بیرون بیاید. در گام بعد به جای آنکه به طرح‌های خوب هزینه‌بری مثل جابه‌جایی صنعت و انتقال به کنار دریاها فکر کنیم؛ باید به استفاده از شیوه‌های جدید در دنیایری بیاوریم. می‌توانیم برویم سراغ مدل‌های جدید برای بازچرخانی آب در بخش صنعت که هم محیط‌زیست آلوده نمی‌شود، هم حلقه محیط‌زیست در نظر گرفته می‌شود و هم مشکل آبپوشی بهبود می‌یابد. در دومین گام باید الگویی توسعه‌مان را بهبود ببندیم. درباره نقش بخش خصوصی در مدیریت سازه‌های آب با به‌زعم آنچه بعضا مقامیای سازه‌های نامیده می‌شود، راهکار پرهیز از این پدیده، مشارکت تمام ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های حوزه آب است. در حال حاضر تصمیمات در خصوص پروژه‌های آبی با تخصیص‌ها و... بدون حضور کامل ذینفعان و زیرمجموعه‌های ارزش‌ملا در شورای عالی آب و پشت درهای بسته صورت می‌گیرد و در این حالت هم حوضه میدئا ناه‌اضی می‌شود و هم حوضه مقصد. اگر تمام ذی‌نفعان از جمله صنعتگران، کشاورزان، مقام‌های محلی و بخش خصوصی در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند حاشیه‌های کمتری در کشور رخ می‌دهد. من بحث‌های مربوط به مافیای طرح‌های سازه‌های آب را قبول ندارم چون اساسا پیمانکاران فقط مجری طرح‌ها بودند و هیچ‌گاه در مقام تصمیم‌گیری قرار نداشتند. ضمن اینکه سدها‌سازی به‌طور عامی‌تواند مورد انتقاد قرار گیرد چرا که سد یکی از حلقه‌های زنجیره امر در مدیریت آب محسوب می‌شود و مسائلی که این حقیقت از کشور ما قمتی بسیار دیرینه دارد. این حقیقت پذیرفتنی است که تعدادی از این سدها به‌اشتباه ساخته شده‌و کارکردهای مخرب محیط‌زیستی دارند لیکن سهم مالی رایج دولت مجری پروژه بوده‌اند بیشتر است یا تصمیم‌گیری‌های محلی و منطقه‌ای و بعضا سیاسی؟ ضمن اینکه اگر این فرض را قبول کنیم که پیمانکاران از این طرح‌ها استقبال می‌کردند این استقبال در زمان باطله مالی خوب دولت‌ها بوده و نه اسال‌های اخیر که عموما پروژه‌های عمرانی یکی پس از دیگری تعطیل شده‌اند. اگر همین امروز سیاست‌های دولت در حوزه اجرای طرح‌های دیگری مانند بهبود شبکه‌های انتقال آب، جلوگیری از هدر رفت آب و... بروند. در حال حاضر و در حوزه بازچرخانی آب پروژه‌های متعددی در کشور با مشارکت بخش خصوصی شروع شده است که دولت می‌تواند با حمایت‌های لازم و برطرف ساختن خلأ‌های قانونی موجود، از این پروژه‌ها که مهم‌ترین نقش در حفاظت منابع آبی کشور را دارند، حمایت کند.

عضو هیات مدیره فدراسیون صنعت آب ایران



فاطمه ظفر نژاد، پژوهشگر حوزه آب مطرح کرد منابع آب قربانی مهندسی تهاجمی

بیش نیست. انتقال سنگ آهن با قطار از محل معادن به صنایع کنار خلیج فارس، هزینه‌های بسیار کمتر از انتقال آب است. در واقع این طرح‌ها هستند که رویایی‌اند نه دیدگاه‌های ما. به یاد دارم که خانم ابتکار به سه طرح انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به کرمان، انتقال آب خزر به سمنان و انتقال آب دریای عمان به استان‌های مرکزی مجوز نداد. من تعجب می‌کنم که اینکه به این طرح‌ها تاییدیه داده می‌شود. دست کم از رسانه‌ها انتظار می‌روید و مدیریت مغفول‌تر کمتر از یک سال را سر میز مناظر بینشانند تا جامعه بیشتر از مساله آگاه‌شود.

■ پس شما استدلال اخیر رییس سازمان حفاظت محیط زیست مبنی بر اینکه در حوضه آب خوزستان آب بیش از حد مصرف می‌شود و می‌توان با صرفه جویی، آب را در بخش‌های دیگر کشور استفاده کرد درام قبول ندارید؟

نه نمی‌دانم ایشان بر چه مبنایی این استدلال را مطرح می‌کنند. در زمانی که ایشان وزیر جهاد کشاورزی بودند کارشناسان بارها درباره تبعات اجرای طرح نیشکر طرح اجرا شد و امروز آثار منفی آن را روی شادگان می‌بینیم. آقای کلاتری به عنوان رییس گروه نجات از رومیه نیز صحبت‌های زیادی را مطرح کردند اما انجام نمی‌شد. انتقال سنگ آهن با قطار از محل معادن به صنایع کنار خلیج فارس، هزینه‌های بسیار کمتر از انتقال آب است. در واقع این طرح‌ها هستند که رویایی‌اند نه دیدگاه‌های ما. به یاد دارم که خانم ابتکار به سه طرح انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به کرمان، انتقال آب خزر به سمنان و انتقال آب دریای عمان به استان‌های مرکزی مجوز نداد. من تعجب می‌کنم که اینکه به این طرح‌ها تاییدیه داده می‌شود. دست کم از رسانه‌ها انتظار می‌روید و مدیریت مغفول‌تر کمتر از یک سال را سر میز مناظر بینشانند تا جامعه بیشتر از مساله آگاه‌شود.

جنوب شرقی و مرکزی کشور برای تامین آب صنایع آب بر مثل فولاد بسیار زیاد مطرح شده تا جایی که کنسرسیومی برای انتقال آب خلیج فارس به معادن سنگ آهن و مس در استان‌های کرمان و یزد هم در دست پیگیری است. گفته می‌شود صنعت برای سر یا ماندن چاره‌ای جز انتقال آب ندارد.

■ این تنها یک ادعای نادرست است و من آن را قبول ندارم. یکی از ویژگی‌های صنعت پایدار، این است که باز یست‌پوم منطقه همخوانی داشته باشد و تعلق بر نامه‌ها با کاهش ردیاب بوم شناختی به ویژه ردیاب آب در حوضه‌های کم آب مرکزی را در سرلوحه برنامه‌هاش بگذارد. عقل سلیم می‌گوید به جای انتقال آب از دورست برای گسترش صنعت آب بری مانند فولاد در حوضه خشک مرکزی، باید صنایع فلز و فولاد که به آب فراوان آن هم تنها برای خنک کردن نیاز دارند را ببریم کنار منابع آب احداث کنیم. چه لزومی دارد آب کمیاب شیرین برای این صنایع به کار گرفته شود در حالی که آب شور آب خاکستری و حتی آب سیاه با یک درجه پالایش را هم می‌توان برای این صنایع به‌کار گرفت. حتی همین حالا هم هزینه انتقال صنایع فولادی که در منطقه مرکزی ایران شکل گرفته‌اند از جمله ذوب آهن اصفهان - که ابتدا قرار بوده

■ بخش بزرگ حامیان آن کسانی هستند که چه در دستگاه دولتی و چه در بخش خصوصی در این طرح‌ها ذی‌نفعند.

■ به جای اینکه جمعیت را در کنار‌ها حفظ کنیم با سیاست‌گذاری‌های غلط داریم همه جمعیت را ترغیب می‌کنیم که به حوزهم مرکزی بیایند.

■ ارزش افزوده بیشتر در سایه نفع صنایع برای رومیه از جنس جدید مدیریت بررسی و پژوهش مستند و مستقلی ندارد و ادعای بیش نیست.

■ بجاد فضای قمت و گومیان دولت و مردم مولد حوضه‌های آبی ضرورت روز است.

در بندرعباس احداث شود - از هزینه طرح‌های انتقال آب کمتر است، ضمن اینکه یکی دیگر از آثار مثبت این کار تمرکز جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق حاشیه خلیج فارس است. در طول صدها کیلومتر از بندر چابهار تا بندرعباس می‌بینیم که سواحل ما خالی است. ما به جای اینکه جمعیت را در کنار‌ها حفظ کنیم با سیاست‌گذاری‌های غلط داریم همه جمعیت را ترغیب می‌کنیم که به حوزهم مرکزی بیایند و این مساله هم از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی و هم از دیدگاه امنیت ملی در خور اهمیت است.

■ اما مدیران صنعتی می‌گویند می‌خواهند همه حلقه‌های تولید محصول را کنار هم جمع کنند تا به این ترتیب ارزش افزوده بیشتری تولید شود. ضمن اینکه نمایندگان مجلس این طرح‌ها را در کاخن ترخ بیکاری حوزه‌های انتخابیه‌شان موثر می‌دانند و برای استقرار این صنایع تلاش می‌کنند.

موضوع اشتغال‌زایی از سوی نمایندگان و دولت‌ها، باید دید فارغ از امکان تحقق به نفع نسل‌های آینده هم هست یا نیست. در حقیقت این طرح‌ها مهاجرپذیری حوضه انتخابیه را افزایش می‌دهند. از سوی دیگر نمایندگان استان‌های کنار خلیج فارس هم می‌توانند طالب طرح‌های اشتغال‌زا باشند. ارزش افزوده بیشتر در سایه تجمع صنایع در حوضه بسیار کم آب مرکزی نیز پایه بررسی و پژوهش مستند و مستقلی ندارد و ادعایی

با مدیریت سازه‌های بر آب میسر است اما بخش بزرگ حامیان آن کسانی هستند که چه در دستگاه دولتی و چه در بخش خصوصی در این طرح‌ها ذی‌نفعند. این افراد و شرکت‌ها در دهه‌های گذشته با دولت‌های مختلف کار کرده‌اند و اهداف شخصی خود را پیش رانده‌اند. کسب و کار بزرگی در طول دهه‌ها پیرامون این طرح‌ها شکل گرفته و در شش دهه گذشته یک سوم تا نیمی از بودجه عمرانی کشور برای اجرای طرح‌های سدسازی، انتقال و سایر طرح‌های سازه‌های آب صرف شده است. بدون اینکه کوچک‌ترین پاسخگویی در قبال این طرح‌ها از به‌شود. توجیه اقتصادی و اجتماعی، زیست محیطی و حتی فنی مستقل درباره آنها تهیه نشده است. عمده گزارش‌های تولید شده به سفارش کارفرماها تهیه شده‌اند و غالباً قابل استناد نیستند. باید ببرسیم یا تحلیل جامع‌نگر دقیقی خارج از حلقه کسانی که از محل این طرح‌ها امرامعاش می‌کنند تهیه شده است؟ این طرح‌ها ۵-۶ دهه در این کشور قدمت دارد. هر چند در برخی از برهه‌های تاریخی مثل دهه ۷۰ شمسی در تور آن به‌شدت دمیده شد. این کسب و کار بزرگ اجازه نمی‌دهد تلاش‌ها برای اصلاح ساختار آب کشور بر مبنای راهبردهای غیرسازه‌های پایدار، جامع‌نگر، مشارکتی به‌جایی برسد.

■ در مقابل دیدگاه‌های شما، برخی معتقدند مخالفت صد در صدی با همه طرح‌های انتقال آب فائزتری و غیر کارپزدی است. مثلا گفته می‌شود مطرح‌هایی مثل انتقال آب حوضه به حوضه برای مصرف شرب خیلی وقت‌ها غیر قابل اجتناب است.

این واقعیت مثل روز روشن است. تمام دریاچه‌هایی که وزارت نیرو روی آنها دستکاری کرده و در حقیقت با طرح‌های تخیلی خود برای آنها برنامه داده همه نابود شده‌اند. آیا می‌توان خشک شدن بخش بزرگی از رودخانه‌ها و خشکیدن تالاب‌های کشور را نادیده گرفت؟ نمی‌توانیم سرمان را زیر برف کنیم و بگوییم این اتفاقات روی نداده است. پس این طرح‌های ناسازگار و نابومی در حالت خوشبینانه طرح‌های رمانتیک هستند و در حالت بدبینانه باهدف جانبدارانه اجرا می‌شوند.

■ مشخصا در مورد ادعایی که برای طرح‌های تامین آب شرب مطرح می‌شود؛ دیدگاه تان چیست؟

اتفاقا تامین آب شرب شهرها با انتقال از دور دست‌ها آن‌هم با ساخت دهه‌ها سد و صدها کیلومتر خط انتقال و دهه‌ها ایستگاه تلمبه آب به‌شدت رد شده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهرهای پایدار که امروز در همه ضوابط علمی روی آن تاکید می‌شود؛ تامین آب شرب شهرها از نزدیک‌ترین محل و در همان منطقه و بر اساس صرفه‌جویانه‌ترین الگوی مصرف با بارها بازچرخانی آب خاکستری و با توجه به رد پای بوم‌شناختی آب همان منطقه است. مگر متولی آب کشور مدعی نیست که مصرف آب شرب در مقایسه با موارد دیگر مصرف بسیار اندک است پس چرا آن را به‌راحتی با اصلاح الگوی مصرف در همان منطقه و از محل آب‌های زیرزمینی و قنات‌های همانجا تامین نمی‌کنند؟ چرا به کشاورز خوزستانی می‌گویند آب را هدر می‌دهید و بعد می‌خواهند آب را ببرند صدها کیلومتر منتقل کنند؟ این انتقال آب چالش‌هایی را در پی خواهد داشت و فقط منافع برخی از مجریان این طرح‌ها مین می‌شود.

■ در سال‌های اخیر دیدگاه انتقال آب به استان‌های

امین شول سیرجانی

«آب» یکی از پر مناقشه‌ترین کلمه‌های این ایام سرزمین ما است. از دعوای کشاورزان در روستاها بر سر دریافت آب بیشتر گرفته تا گلایه‌ها و فریادهای اعتراض آمیز مدیران دستگاه‌های تصمیم‌گیر درباره طرح‌های مدیریت و اختصاص آب. گفت‌وگوی تندمیان یکی از نمایندگان استان خوزستان در مجلس با عیسی کلاتری، رییس سازمان حفاظت محیط زیست بر سر موافقت کلاتری با طرح انتقال آب از سرشاخه‌های کارون یکی از آخرین و مشهورترین چالش‌های شکل گرفته بر سر «آب» است. در این میان اما هنوز یک پرسش اصلی باقی مانده است، اینکه آیا تنها نسخه فرار از بحران کم آبی، انتقال آب بین حوضه‌های است؟ و آیا این طرح‌ها تضادها و شکاف اجتماعی را تشدید نمی‌کنند؟ فاطمه ظفر نژاد، پژوهشگر حوزه آب و توسعه پایدار یکی از منتقدان جدی مدیریت سازه‌های (سدسازی و انتقال) آب است. ظفر نژاد پیش از این با ترجمه کتاب «رودهای خاموش» اثر «پاتریک مک کالی» و تالیف کتاب «آب و توسعه پایدار» کوشش کرده این دیدگاه‌ها را در معرض داوری افکار عمومی قرار داده است. او در گفت‌وگو با «اعتماد» بار دیگر به صراحت اجرای هر گونه طرح انتقال آب بین حوضه‌های را رد و رویکرد رییس سازمان حفاظت محیط زیست به حوزه آب را هم اشتباه ارزیابی کرد.

■ چندی پیش انتشار خبر موافقت آقای کلاتری، رییس سازمان حفاظت محیط زیست با طرح انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به باغ‌های کشاورزی رفسنجان در استان کرمان موجب شد برخی نمایندگان مجلس و حامیان محیط زیست از اجرای این طرح اظهار نگرانی کنند. از آنجا که شما یکی از منتقدان جدی طرح‌های مدیریت سازه‌ای (سدسازی و انتقال) آب در کشور هستید، ارزشیابی تان درباره این تصمیم چیست؟

بیش از دهه‌هاست که بسیاری از کارشناسان، اکولوژیست‌ها، جامعه‌شناسان و کارشناسان حوزه‌های دیگر و حتی بسیاری از مهندسان بر این باورند که طرح‌های انتقال آب گونه‌ای از «مهندسی تهاجمی» در داخل ایران در رد طرح‌های سدسازی و انتقال آب بوده و در آنها به روشنی توضیح داده شده که انتقال آب پیامدهای اجتماعی و اقتصادی هم در حوضه مبدأ و هم در حوضه گیرنده آب در پی دارد و حوضه‌های آبریز را با چالش‌های جدی زیست‌محیطی روبه‌رو می‌کند.

■ اگر این طرح‌ها اینقدر مخربند پس چرا هنوز در ایران طرفداران سفت و سختی دارند. این حمایت از جنس اختلاف نظر علمی است یا دلایل دیگری دارد؟

تکنوکرات‌ها در ایران طرفداران اصلی این طرح‌ها هستند. بخش کوچکی از حامیان طرح‌های سد و انتقال آب کسانی هستند که تصور می‌کنند پیشرفت جامعه